

# معرفی بانکداری اسلامی به جهانیان

منبع: سایت اینترنتی IMF، جولای ۲۰۰۷

نویسنده: خوان سوله

مترجم: سیدحسین علوی لنگرودی

## اشاره

## چکیده

بی میلی فرهنگی ایرانیان نسبت به رباخواری و استقبال عقیدتی آنان و دیگر مسلمانان از معاملات غیرربوی از یک طرف، و رویکرد فزاینده جهانیان غیرمسلمان به مفاهیم و روش‌ها و ابزارهای مالی اسلامی از طرف دیگر، فرصت باارزشی را برای ما فراهم آورده‌اند که بهترین و کارآمدترین نظام بانکی قابل تقلید را برپا داریم. ولی متأسفانه این فرصت تاکنون با سبکسری از دست رفته و باز هم ازدست می‌رود. تجارب سال‌های گذشته در زمینه بانکداری اسلامی هم سرمایه گرانبهایی برای رفع معایب و اصلاح روش‌ها و رفتارها و ارتقای سطح خدمات و سودآوری و جایگاه بانکداری ملی است، که باز هم متأسفانه بدان عنایتی نداریم. اگر حرف‌ها و طرح‌ها و عملکردهای سال‌های گذشته را مرور کنیم، مجموعه‌ای را می‌بینیم آکنده از سطحی‌نگری، ساده‌اندیشی، شتابزدگی، خودبینی، تکروی و شلختگی، بدون سامانه‌های عقلایی و منطقی برای حل حداقل یک مشکل یا دستیابی به حداقل یک نتیجه، و اینک تردیدی باقی نمانده است که بیشتر مدیران بانکی و مسوولان اقتصادی و صاحبان نظران فقهی - بانکی که به نوعی در سطوح و لایه‌های مختلف نظری و عملی و آموزشی و پژوهشی و اجرایی و نظارتی سیستم بانکی مشغول هستند، نتوانسته‌اند به درک درستی از اصول و موازین و مختصات بانکداری اسلامی دست یابند و در مقالات و مطالعات و پژوهش‌ها و سمینارها و... خود تنها به تکرار بدیهیات بی‌خاصیت اکتفا نموده‌اند و در سطح مسایل شناور مانده‌اند، و در نتیجه، نه تنها بسیاری از مسایل پیش روی مردم و سیستم بانکی روزبه‌روز لاینحل‌تر و پیچیده‌تر شده است، بلکه فرصت و امکان نگاه کردن به آن سوی مرزها را هم ازدست داده‌ایم. و امروز هم این خطر وجود دارد که بی‌عملی‌ها و تشدید انحراف‌ها موجب شوند که مردم عطای این بانکداری را به لقایش ببخشند و در حالی که موسسات مالی غیرمسلمان به سوی الگوی غیرربوی هجوم آورده‌اند، ما حرکت معکوس داشته باشیم.

نگاهی به کارنامه دیگران، هم موجب عبرت است و هم محرک غیرت.

در دهه گذشته، بانکداری اسلامی توانسته است توجه جهانیان را بیش از پیش به خود جلب کند و با نرخ رشد سالانه‌ای بین ۱۰ تا ۱۵ درصد، یکی از پررونق‌ترین و شکوفاترین حوزه‌های بانکی و مالی جهان را تشکیل دهد. امروزه، از گوشه و کنار دنیا می‌شنویم که بانک‌های اسلامی، اقدام به تاسیس شعبه و ارائه خدمات مالی و بانکی مطابق با شریعت اسلام در آنجا نموده‌اند، به نحوی که در حال حاضر، در بیش از ۵۱ کشور جهان، خدمات بانکی اسلامی ارائه می‌شود. با وجود تمام این پیشرفت‌ها و موفقیت‌ها، بسیاری از کارشناسان و ناظران امور مالی و بانکی جهان، با اصول و مفاهیم کلیدی بانکداری اسلامی ناآشنا و غریبه هستند و این مساله، ورود و نقش‌آفرینی بانک‌های اسلامی در درون نظام‌های بانکی سنتی (غیراسلامی و ربوی) را با مانع روبرو ساخته است. در مقاله حاضر، تلاش شده است تا ضمن تبیین اصول بنیادین و خاص بانکداری اسلامی، از بسیاری از ابهامات و پوشیدگی‌های موجود در این الگوی مترقی و نوظهور پرده برداشته شود و زمینه مساعدی برای ورود و معرفی بانکداری اسلامی به نظام‌های بانکداری سنتی فراهم گردد.

## مقدمه

بانکداری اسلامی، به‌نحو فزاینده‌ای در حال رشدنمو در بطن سیستم‌های مالی و بانکی غرب و شرق است، به نحوی که امروزه نه تنها در کشورهای دارای اکثریت مسلمان، بلکه در کشورهای غیراسلامی نیز شاهد حضور پررنگ و موفق بانک‌ها و موسسات مالی اسلامی هستیم. براساس جدیدترین آمار منتشرشده از سوی نهادهای بین‌المللی ناظر بر فعالیت

دانایی

هرچه آشنایی و درک سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌ها و نهادهای مالی کشورها، از نحوه عملکرد و مزیت‌های رقابتی و نقش‌آفرینی مثبت و غیرتورمی بانک‌های اسلامی بیشتر و بهتر باشد، بستر مناسب‌تری برای گسترش فزاینده این الگوی بانکی و مالی اخلاق‌گرا فراهم خواهد شد.

بانک‌های اسلامی، بیش از ۳۰۰ موسسه مالی بزرگ در بیش از ۵۱ کشور، مشغول خدمات‌رسانی مالی منطبق با شریعت اسلامی به مشتریان مسلمان و غیرمسلمان خود هستند.

با اینهمه، پتانسیل‌های عظیمی برای فعالیت و خدمات‌رسانی گسترده‌تر بانک‌های اسلامی در سراسر نقاط جهان وجود دارد که بلااستفاده و بکر باقی مانده است و عامل اصلی عدم شکوفایی و بالفعل‌شدن این پتانسیل‌ها هم عدم‌آشنایی کافی سیاستگذاران و اقتصاددانان جهان با مزایای بانکداری اسلامی است. بدیهی است که هرچه آشنایی و درک سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌ها و نهادهای مالی کشورها، از نحوه عملکرد و مزیت‌های رقابتی و نقش‌آفرینی مثبت و غیرتورمی بانک‌های اسلامی بیشتر و بهتر باشد، بستر مناسب‌تری برای گسترش فزاینده این الگوی بانکی و مالی اخلاق‌گرا فراهم خواهد شد.

در این مقاله، تلاش شده است تا علاوه بر توصیف و تشریح برخی از ویژگی‌های بانکداری اسلامی، به ارائه راهکارهای مطلوب جهت معرفی درست این سیستم به سیستم‌های بانکی سنتی یا ربوی نیز پرداخته شود و راه برای اجرای درست اصول و ارکان عملی و علمی بانکداری بدون‌ربا هموارتر شود. این فرایند در چند مرحله قابل‌اجراست که در بخش‌های مختلف این مقاله به آنها اشاره شده است. با اینهمه، باید پذیرفت که پیاده‌شدن اصول بانکداری اسلامی در هر کشور، با سایر کشورها متفاوت خواهد بود و معرفی بانکداری اسلامی به سیستم‌های بانکی سنتی، از طرق مختلف قابل‌دستیابی است که انتخاب یکی از آنها، با توجه به خصوصیات و شرایط حاکم بر کشورها، امکانپذیر خواهد بود.

### پیش‌نیازهای لازم برای ورود بانک‌های اسلامی

با توجه به تقاضای فزاینده مسلمانان جهان برای برخورداری از خدمات بانکی مطابق اصول شرع اسلامی و گرایش گسترده سرمایه‌گذاران مسلمان به متنوع‌سازی پورتفولیوی سرمایه‌گذاری خود در سراسر نقاط جهان، تعداد روزافزونی از بانک‌ها و موسسات مالی بزرگ و مشهور جهان به ارائه خدمات مالی و بانکی اسلامی و ورود به بازارهای مالی اسلامی، علاقه شدیدی نشان می‌دهند. متأسفانه باید به این واقعیت عجیب اشاره کنیم که بیشتر مدیران و سیاستگذاران این بانک‌ها و همچنین نهادهای ناظر بر فعالیت آنها (در حوزه بانکداری اسلامی) درک و شناخت درستی از اصول و ویژگی‌های حاکم بر خدمات‌رسانی مالی منطبق با شریعت اسلام نداشته و ندارند، در حالی که باید دانست علاوه بر مفاهیم پیچیده‌ای چون ربا، اصول و مسایل دیگری نیز وجود دارند که کمتر به آنها

پرداخته شده و در نتیجه، از دید تیزبین فعالان و ناظران عرصه‌های بانکی به‌دور مانده است. عدم‌آگاهی و شناخت درست از این مفاهیم، موانع متعددی را بر سر راه ارائه درست و قاعده‌مند خدمات و محصولات مالی اسلامی به‌وجود خواهد آورد و موجب خواهد شد که هم مشتریان و کارمندان بانک‌های ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی از ابهامات موجود در محصولات مالی اسلامی رنج ببرند و گاه در این میان زیان ببینند و هم ناظران و قانونگذاران مسایل بانکداری اسلامی، در برخورد با چالش‌ها و مخاطرات ویژه این نوع خدمات‌رسانی مالی، دچار مشکل و سردرگمی شوند. تداوم چنین وضعیت مبهم و نامعلومی ممکن است فرایند ورود بانک‌های اسلامی به نظام‌های بانکی سنتی و به‌طورکلی، اجرای اصول بانکداری بدون‌ربا را، حتی در کشورهایی که از سال‌ها قبل این الگوی بانکی را در درون خود پرورش داده‌اند، منحرف نماید.

در این بخش از مقاله، قصد داریم تا چهار حوزه فوق‌العاده مهم و کلیدی در شناخت و درک درست بانکداری اسلامی در کشورهای برخوردار از این سیستم و موثر و تعیین‌کننده در معرفی بانکداری اسلامی به سیستم‌های سنتی و کشورهای فاقد نظام بانکداری اسلامی را مطرح سازیم که عبارتند از: (۱) انطباق با شریعت اسلامی، (۲) تفکیک بانکداری اسلامی از بانکداری ربوی، (۳) استانداردهای حسابداری در بانکداری اسلامی و (۴) چالش‌های فراروی بانکداری اسلامی.

### انطباق با شریعت اسلام

مالیه اسلامی برپایه اصول تعیین و تبیین‌شده از سوی شریعت اسلام و فتوای صادرشده از سوی علمای اسلامی شکل گرفته است که بعضاً پیچیده و بسیار تخصصی هستند و همین پیچیدگی و تخصصی‌بودن، بانک‌ها و موسسات مالی ارائه‌دهنده خدمات بانکی اسلامی را به سمت استخدام چند کارشناس دینی و علمی جهت تفسیر و درک درست فرامین و اصول مندرج در دین اسلام سوق می‌دهد و حتی بسیاری از بانک‌ها را وادار می‌سازد تا هیات‌های رسمی متشکل از محققان فقهی و دینی را در کنار سایر کارکنان و مدیران بانک‌ها به کار گیرند. بر این اساس، نخستین فاکتور و مساله‌ای که بانک‌ها و موسساتی که تمایل به ارائه خدمات بانکی و مالی اسلامی دارند، بایستی به آن توجه کنند، لزوم‌گزینش یک هیات فقهی و علمی ناظر بر رعایت اصول شریعت اسلام در خدمات‌رسانی مالی بانک و انطباق محصولات و خدمات ارائه‌شده با اصول اسلامی است. این گام نخست، چنانچه درست و کامل برداشته شود، می‌تواند موجب به‌حداقل‌رسیدن ریسک و مخاطرات عملیاتی بانک در حیطه انطباق یا عدم‌انطباق با روحيات و اعتقادات مذهبی مشتریان گردد.

■ ■ ■  
**پیچیدگی و تخصصی‌بودن اصول مالیه اسلامی، بیشتر بانک‌ها و موسسات مالی ارائه‌دهنده خدمات بانکی اسلامی را وادار می‌سازد تا هیات‌های رسمی متشکل از محققان فقهی و دینی را در کنار سایر کارکنان و مدیران بانک‌ها به کار گیرند.**  
 ■ ■ ■

از طرق نامشروع و ربوی به دست آمده‌اند، مخلوط می‌شوند. بنابراین، بانک‌های غیراسلامی خاصی که خواهان ارائه خدمات مالی و بانکی اسلامی به مشتریان هستند، می‌بایستی مشتریان مسلمان خود را متقاعد سازند که سرمایه‌های آنها با سرمایه‌های ربوی مخلوط نخواهد شد و سود پرداختی به آنها از محل سرمایه‌گذاری‌های غیراسلامی و "حرام" به دست نیامده است. لذا بانک‌ها برای عملیاتی کردن این الزام، بایستی حساب‌های سرمایه‌ای جداگانه‌ای را برای سرمایه‌های اسلامی خود باز کنند و سیستم‌های کنترلی و گزارشگری جداگانه‌ای را نیز برای آنها طراحی و اجرا نمایند.

بنابراین، بر بانک‌ها و موسسات مالی سنتی (غیراسلامی) که به‌طور گسترده در حوزه بانکداری اسلامی فعال هستند و یا "دریچه‌های اسلامی" ایجاد کرده‌اند، واجب است که عملیات و سرمایه‌گذاری‌های صورت‌گرفته با استفاده از سپرده‌ها و سرمایه‌های اسلامی را از سایر عملیات و سرمایه‌گذاری‌های خود تفکیک نمایند.

### استانداردهای حسابداری و حسابرسی

گسترش سریع و شگفت‌آور بانکداری و مالیه اسلامی که در دهه ۱۹۷۰ آغاز شد، با تدوین و تعیین مقررات و قوانین حسابداری و حسابرسی کافی و مطلوب همراه نشد و لذا استانداردها و قواعد مدون و بین‌المللی مناسبی که از سوی همه بانک‌ها و موسسات تامین اسلامی رعایت شود، به وجود نیامد. در نتیجه، هرکدام از این موسسات و بانک‌ها - چه به صورت انفرادی و چه در قالب گروه‌های کوچک - اقدام به طراحی و اجرای استانداردهای خاص حسابداری و حسابرسی نمودند که این مساله، هم مقایسه عملکرد این نقش آفرینان عرصه‌های مالی را با مشکل مواجه ساخت و هم از میزان پاسخگویی و شفاف‌سازی آنها در مقابل قانون و نهادهای نظارتی بانک‌ها می‌کاست.

اما با پیچیده‌تر و گسترده‌تر شدن ابعاد فعالیت موسسات مالی اسلامی و متنوع‌گردیدن محصولات و خدمات ارائه شده از سوی آنها، نیاز به تدوین و شکل‌دهی یکسری استانداردها و مقررات کلی و بین‌المللی، بیش از پیش احساس شد و سرانجام، سازمان حسابداری و حسابرسی موسسات مالی اسلامی (AAOIFI) با هدف پرکردن این خلأ، در سال ۱۹۹۰ تاسیس شد که یکی از مهمترین و حساس‌ترین وظایفش، تعیین و تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی مطلوبی است که از سوی کلیه موسسات مالی اسلامی فعال در سرتاسر جهان قابل‌رعایت و لازم‌الاجرا باشد. علاوه بر این، سازمان حسابداری و حسابرسی موسسات مالی اسلامی نقشی کلیدی در ایجاد هارمونی در قوانین و مقررات داخلی بانک‌های اسلامی و

ذکر نمونه‌های جالب در مورد لزوم و اهمیت گزینش درست کارشناسان امور مالی - دینی، می‌تواند ذهن خواننده را روشن‌تر سازد: بانک Kleinwort Benson یک بانک سرمایه‌گذاری، پیشرو و نوآور انگلیسی بود که در سال ۱۹۸۶ اقدام به تاسیس یک صندوق سرمایه‌گذاری اسلامی نمود. هدف اصلی از ایجاد چنین صندوقی، جذب سرمایه‌های اسلامی از منطقه خلیج فارس بود. در ابتدا، بانک Kleinwort به علت فقدان هیات نظارت فقهی - مالی و بی‌اعتمادی سرمایه‌گذاران مسلمان به اسلامی‌بودن خدمات و محصولات بانکی و مالی ارائه شده از سوی این صندوق، در جذب سرمایه‌های اسلامی ناتوان بود، اما مدت کوتاهی پس از جذب چند کارشناس مذهبی خبره و شناخته شده، وضعیت تغییر کرد و صندوق سرمایه‌گذاری اسلامی فوق، جهش خیره‌کننده‌ای را از حیث جذب سرمایه‌ها و سپرده‌های مسلمانان به ثبت رساند.

نهادهای قانونگذاری و سیاستگذاری نیز نیازمند استخدام و به‌کارگیری کارشناسان امور فقهی - بانکی هستند تا به آنها در شناسایی و تایید صحت و سلامت محصولات مالی اسلامی ارائه شده از سوی بانک‌ها، یاری رسانند. استفاده از نظریات کارشناسی این افراد می‌تواند در زمان اعطای مجوز فعالیت در حوزه بانکداری اسلامی و همچنین در حوزه وضع قوانین و مقررات، مفید و تعیین‌کننده باشد.

یکی دیگر از جنبه‌های اهمیت‌یافتن نقش و جایگاه کارشناسان امور فقهی - بانکی، از تأثیری ناشی می‌شود که نظریات این کارشناسان بر همگونی و هماهنگی الگوها و نظرات‌های بانکداری و مالیه اسلامی در سطح جهانی داشته و دارد. وجود همین همسویی‌ها در میان دست‌اندرکاران، سیاستگذاران و تصمیم‌گیرندگان نظام‌های بانکی اسلامی در سطح جهان بوده است که موجب پیدایش دو نهاد نظارتی بین‌المللی بر بانکداری اسلامی شده است که عبارتند از: سازمان حسابداری و حسابرسی موسسات مالی اسلامی<sup>(۱)</sup> (AAOIFI) و هیات خدمات مالی اسلامی (IFSB)<sup>(۲)</sup>، که اولی، مسوول تدوین استانداردهای بین‌المللی در حوزه حسابداری، حسابرسی و نحوه مدیریت بانک‌ها و موسسات مالی اسلامی و دومی، مسوول صدور استانداردهای نظارتی و قانونی برای موسسات مالی اسلامی است.

### تفکیک بانکداری اسلامی از بانکداری ربوی

یکی از اصول بنیادین و نهفته در بانکداری اسلامی، همانا دوری‌جستن از نزول‌خواری و عملیات ربوی و انطباق فعالیت‌های مالی با اصول اخلاقی است. بر این اساس، سرمایه‌های به‌کارگرفته شده در قالب سرمایه‌گذاری‌های منطبق با شریعت اسلام، نبایستی با سرمایه‌های غیراسلامی که احیاناً

■ ■ ■  
**نهادهای قانونگذاری و  
 سیاستگذاری نیز نیازمند  
 استخدام و به‌کارگیری  
 کارشناسان امور فقهی -  
 بانکی هستند.**  
 ■ ■ ■

به‌طورکلی، هم‌اکنون درک و شناخت مشتریان و سرمایه‌گذاران از فرصت‌ها و عملکردها و مخاطرات سرمایه‌گذاری در بانک‌های غیراسلامی، به‌مراتب بیش از آگاهی آنها در مورد بانک‌های اسلامی است. بنابراین، سازمان‌های ناظر بر فعالیت موسسات مالی اسلامی، می‌توانند با اعمال قوانین و مقررات دقیق و مناسب و نظارت‌های هدفمند بر موسسات مالی اسلامی و اطلاع‌رسانی کامل در این مورد، بر میزان شناخت عمومی نسبت به بانکداری اسلامی بیفزایند و بدین وسیله، در جهت بین‌المللی‌کردن صنعت بانکداری اسلامی گامی موثر بردارند. خود موسسات مالی اسلامی نیز به‌نوبه خود، موظف به اطلاع‌رسانی دقیق به سپرده‌گذاران، سرمایه‌گذاران و مشتریان خود در مورد مزایا و مخاطرات ویژه هرکدام از محصولات مالی اسلامی ارایه‌شده از سوی آنها هستند. به‌عنوان مثال، بانک‌های اسلامی بایستی حتماً به مشتریان خود در مورد ویژگی شریک‌بودن در سود و زیان<sup>(۳)</sup> در عقد اسلامی "مضاربه" اطلاع‌رسانی نمایند و این اطلاع‌رسانی هم در قالب توزیع یکسری بروشورها و جزوه‌های آموزشی بین مشتریان و سپرده‌گذاران بالقوه بانک‌های اسلامی قابل اجراست.

### مراحل معرفی بانکداری اسلامی

**عرضه منتخبی از محصولات مالی اسلامی - ایجاد درپچه‌های اسلامی (Islamic Windows):** امروزه، تعداد روزافزونی از بانک‌های تجاری در سرتاسر جهان، در حال بررسی و سنجش ابعاد گوناگون خدمات‌رسانی مالی اسلامی از طریق ایجاد شعب ویژه خدمات‌رسانی مالی منطبق با شریعت اسلام هستند. در بسیاری از کشورها، به‌ویژه کشورهای دارای اقلیت‌های مسلمان، گرایش بانکداران به سوی ارایه خدمات بانکی بدون ربا در حال افزایش است. نتیجه عینی و عملی این گرایش، اختصاص برخی از شعب بانک‌های غیراسلامی برای عرضه محصولات مالی اسلامی می‌باشد که تحت عنوان "درپچه‌های اسلامی" شناخته می‌شوند. درپچه‌های اسلامی عبارتند از بخش‌های مستقلی در درون بانک‌های سنتی (غیراسلامی) که از طریق آنها می‌توان به مشتریان متقاضی برخورداری از ابزارهای مالی منطبق با شریعت اسلام، خدمات‌رسانی کرد. آنچه در این میان دارای اهمیت است، لزوم رعایت تفکیک سرمایه‌گذاری‌ها و سودآوری میان سرمایه‌گذاری‌های اسلامی و غیراسلامی می‌باشد.

با گسترده‌تر شدن حجم فعالیت‌ها و سودآوری بیشتر درپچه‌های اسلامی، بانک‌ها می‌توانند پا را فراتر بگذارند و زیرمجموعه‌ای اسلامی به‌وجود آورند که از نظر حجم فعالیت‌ها و خدمات‌رسانی‌ها و همچنین میزان استقلال از "بانک مادر"

خطمشی هیات‌های نظارت دینی فعال در آنها ایفا می‌کند و از بروز هرگونه ناهماهنگی و تعارض در میان آرا و نظریات کارشناسان و قانونگذاران امور مالیه اسلامی در کشورهای مختلف جلوگیری می‌نماید. تا پیش از تاسیس این سازمان، به‌دفعات مشاهده شده بود که بسیاری از محصولات و خدمات اسلامی ارایه‌شده در یک کشور، از سوی نهادهای نظارتی و قانونگذاری، "غیراسلامی" و "ربوی" شناخته شده بودند که این امر، مانعی جدی بر سر راه بین‌المللی‌شدن بانکداری و صنعت مالی اسلامی شده بود و رشد صنعت بانکداری اسلامی را کند ساخته بود. خوشبختانه، امروزه این مشکل با تدوین استانداردهای مطلوب و موردپذیرش بیشتر قانونگذاران و فعالان عرصه‌های مالی و بانکی مرتفع شده است و اغلب قانونگذاران و سیاستگذاران عرصه بانکداری اسلامی، نگرش‌ها و تصمیمات خود را براساس استانداردهای تعیین‌شده از سوی AAOIFI شکل می‌دهند. این هماهنگی و همگونی موجب شده است که موضع مدیران بانک‌ها، قانونگذاران و ناظران بر عملکرد موسسات مالی اسلامی، یکسان و همسو گردد و راه برای مقابله درست و موثر با چالش‌های جهانی فراروی صنعت بانکداری اسلامی هموارتر شود.

هماهنگی موسسات مالی و بانک‌های اسلامی فعال در نقاط گوناگون جهان از حیث به‌کارگیری استانداردها و قوانین مشترک و بین‌المللی، نه‌تنها موجب سهولت در امر نظارت بین‌المللی بر فعالیت بانک‌های اسلامی شده است، بلکه موجب آشناتر شدن قانونگذاران و سیاستگذاران بانکی در کشورهای فاقد سیستم بانکداری اسلامی با مفاهیم و اصول بانکداری بدون ربا نیز شده و محصولات و الگوهای مالی و بانکی اسلامی را برای آنها جذاب‌تر کرده است و درنهایت، روند ترکیب و ادغام موسسات مالی اسلامی در سیستم‌های مالی بین‌المللی را سرعت بخشیده است.

### چالش‌های فراروی بانکداری اسلامی

سرعت و درجه موفقیت بانک‌های اسلامی برای ادغام شدن در سیستم‌های بانکداری سنتی (غیراسلامی) تا حد زیادی به آگاه‌شدن سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذاران بالقوه آنها نسبت به فرصت‌ها و مخاطرات فراروی سرمایه‌گذاری‌های اسلامی و عملیات بانک‌های اسلامی بستگی دارد. به عبارت روشن‌تر، اگر سرمایه‌گذاران، از قانونمندشدن بانک‌های اسلامی و شفاف‌بودن فعالیت‌های آنها مطمئن باشند، با اطمینان و اعتماد بیشتری نسبت به سرمایه‌گذاری در آنها اقدام خواهند نمود و ایجاد این اطمینان، به‌نوعی یک وظیفه و مسوولیت کلیدی برای بانکداران اسلامی و قانونگذاران صنعت مالیه اسلامی محسوب می‌گردد.

سرمایه‌های به‌کارگرفته‌شده در قالب سرمایه‌گذاری‌های منطبق با شریعت اسلام، نبایستی با سرمایه‌های غیراسلامی که احیاناً از طرق نامشروع و ربوی به دست آمده‌اند، مخلوط می‌شوند.

(Parent Bank) بر جسته‌تر هستند. با این حال، حرکت از حالت دریچه بانکداری اسلامی به سمت زیرمجموعه اسلامی، نیازمند مطالعات و بررسی‌های همه‌جانبه‌ای، به‌ویژه در بخش هزینه‌ها و ریسک‌هاست. در چنین شرایطی، مدیریت بانک باید مطمئن باشد که سوددهی و درآمدزایی بخش اسلامی تا بدان اندازه بالا و قابل توجه هست که پس از تبدیل شدن به زیرمجموعه بانکی اسلامی، بتواند برخی از هزینه‌های خاص، از جمله هزینه سربار این فرایند را پوشش دهد (توضیح اینکه پاره‌ای از هزینه‌های سربار مربوط به دریچه‌های بانکداری اسلامی، از قبیل هزینه سیستم‌های کامپیوتری، هزینه‌های جاری، هزینه‌های پرسنلی و غیره، توسط "بانک مادر" تامین می‌شوند که در صورت تبدیل شدن دریچه بانکداری اسلامی به زیرمجموعه اسلامی، این هزینه‌ها بایستی به طور مستقل و به‌وسیله خود زیرمجموعه اسلامی پوشش داده شوند).

به‌طور کلی، گرایش به ایجاد دریچه‌های بانکداری اسلامی از سوی بانک‌های غیراسلامی، عمدتاً در آسیای جنوب شرقی و کشورهای غربی مشاهده شده و می‌شود، حال آن‌که در مناطقی چون خاورمیانه، میل به ایجاد بانک اسلامی تمام‌عیار، بیشتر به چشم می‌خورد.

**بانکداری سرمایه‌گذاری اسلامی:** یکی دیگر از کانال‌های رایج و متداولی که از طریق آن می‌توان مالیه اسلامی را وارد سیستم‌های بانکی سنتی نمود، به فعالیت‌های بانکداری سرمایه‌گذاری ختم می‌شود. در واقع، تعداد فزاینده‌ای از بانک‌های غیراسلامی فعال در کشورهای غربی، در حال عرضه محصولات مالی و بانکی خاص سرمایه‌گذاران مسلمان خود هستند که این رویکرد در قالب فعالیت‌های متنوعی چون انتشار صکوک طلائی و یا تاسیس صندوق‌های سرمایه‌گذاری کم‌خطر اسلامی متبلور شده است و مشتریان پروپاقرصی را در مناطقی از جهان، به‌ویژه در منطقه خلیج فارس و آسیای جنوب شرقی به‌سوی بانک‌های غیراسلامی جذب نموده است.

با این حال، تفاوت‌های خاصی از نظر الگوهای رشد و شکوفایی میان بانکداری خرد اسلامی و بانکداری سرمایه‌گذاری اسلامی، در کشورهای غربی وجود دارد که نباید از آنها غافل شد. باید دانست که رشد روزافزون بانکداری خرد اسلامی در این کشورها، عمدتاً ناشی از روندهای جغرافیایی و مردم‌شناختی مرتبط با حضور جمعیت مسلمان در کشورهای غربی است، حال آنکه دگرگونی و رشد فعالیت‌ها در حوزه بانکداری سرمایه‌گذاری اسلامی، تا حد زیادی از حرکت سرمایه‌های اسلامی در میان مرزها و کشورها سرچشمه می‌گیرد.

**اعطای مجوز برای تاسیس بانک‌های اسلامی تمام‌عیار:** در صورتی که بانک‌های غیراسلامی نوآوری که

اقدام به تاسیس دریچه‌های بانکداری اسلامی نموده‌اند، از عملکرد این بخش رضایت کافی داشته باشند و تعداد قابل‌ملاحظه‌ای از مشتریان اسلامی را جذب خود نموده باشند، احتمال ایجاد زیرمجموعه‌های اسلامی یا بانک اسلامی در درون بانک غیراسلامی را بررسی خواهند نمود. در درجات بالاتر، این احتمال می‌رود که حتی بانک غیراسلامی موردنظر، پس از تغییر ماهیت و دگرگون‌ساختن بنیان عملیاتی خود، به یک بانک اسلامی تمام‌عیار بدل شود که در هر دو صورت، وضعیت بهتر و مناسب‌تری را از نظر تنوع خدمات ارائه‌شده و سودآوری تجربه خواهد نمود. در صورت ایجاد بانک‌های اسلامی در درون بانک‌های غیراسلامی و یا تبدیل شدن به یک بانک اسلامی تمام‌عیار، امکان ورود به بسیاری از فعالیت‌های سرمایه‌گذاری منطبق با شریعت اسلام از جمله انتشار صکوک، جذب سرمایه‌های خرد سپرده‌گذاران اسلامی و تاسیس صندوق‌های سرمایه‌گذاری اسلامی کم‌خطر و عملیات مشابه فراهم می‌گردد.

با وجود تمام این مزایا و پیامدهای مثبت، موانعی هم بر سر راه تبدیل شدن بانک‌های غیراسلامی به اسلامی و یا ایجاد بانک‌های اسلامی در درون بانک‌های غیراسلامی وجود دارد که مهمترین آنها، نگرانی برخی از محققان و علمای اسلامی در مورد سرمایه‌های به‌کارگرفته‌شده در این الگوهاست. به‌عقیده برخی از کارشناسان امور بانکداری اسلامی، این شبهه وجود دارد که سرمایه اولیه ایجاد چنین زیرمجموعه‌های اسلامی و یا بانک‌های اسلامی نوظهور و برخاسته از بطن بانک‌های اسلامی، از مصادیق "حرام" و "ربا" باشد. از سویی دیگر، شایبه مخلوط‌بودن سرمایه‌ها و درآمدهای بخش‌های غیراسلامی و اسلامی این بانک‌ها، بسیار قوی است. با این حال، شفاف‌سازی فعالیت‌ها و اثبات رعایت اصول دینی در عملیات بانکی، هم می‌تواند به این تردیدها پایان بخشد و هم موجب افزایش اعتبار و وثوق این بازیگران اسلامی در بازار داغ رقابت بر سر جذب سرمایه‌گذاران اسلامی گردد.

یکی دیگر از راه‌های برون‌رفت این بانک‌ها از اتهام "آلوده‌بودن" و "حرام‌بودن" سرمایه اولیه اختصاص‌یافته برای تاسیس آنها، تخصیص بخشی از درآمدهای بانک به فعالیت‌های خیریه، دادن صدقه و تصفیه سرمایه‌های اولیه می‌باشد که به دفعات از سوی چنین بانک‌هایی در پیش گرفته شده است.

علاوه بر این، تبدیل شدن از یک بانک غیراسلامی به یک بانک سنتی، دربردارنده یکسری چالش‌های عملیاتی و حسابداری است. بسیاری از آیت‌های موجود در ترانامه‌های بانکی، ویژه بانکداری ربوی هستند که برای مقابله با این چالش‌ها، برخی از کارشناسان و سیاستگذاران عرصه بانکداری

خوشبختانه، با تدوین استانداردهای حسابداری و حسابرسی مطلوب و مناسب برای بانکداری و مالیه اسلامی، امروزه مشکلات بیشتر قانونگذاران و فعالان در این عرصه حل شده و یکسانی و همسویی لازم فراهم آمده است.

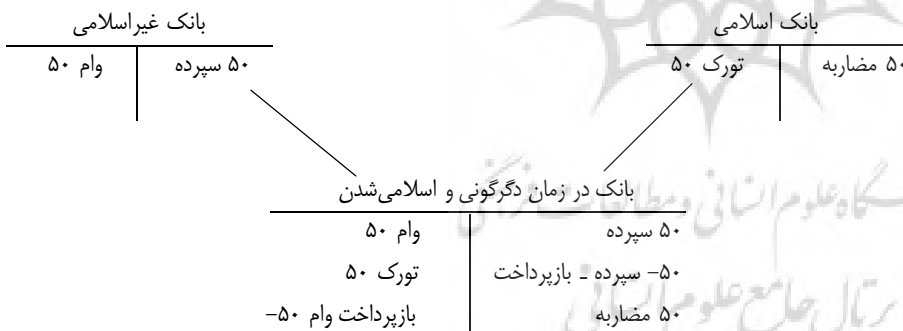
کادر شماره یک

### استفاده از تورک در راستای تطهیر ترانزنامه‌های بانک پیش از تبدیل شدن به بانک اسلامی و تطبیق آن با شرایط جدید

هنگامی که یک بانک غیراسلامی به سمت اسلامی شدن پیش می‌رود، بایستی فرایندی را پیش گیرد که به سرمایه‌گذاران و سپرده‌گذاران اسلامی این اطمینان را بدهد که ترانزنامه‌های بانک "اسلامی" شده‌اند. در این فرایند، کلیه وام‌ها و سپرده‌های بانک بایستی به شکل دارایی‌های غیرربوی درآیند. برای نیل به این مقصود، می‌توان از عقود اسلامی مانند مباحه یا مضاربه استفاده کرد.

با استفاده از ابزار مالی اسلامی "تورک"، بانک قادر خواهد بود تا کلیه وام‌های ربوی خود را به وام‌های اسلامی بدون‌ربا تبدیل کند. براساس این الگو، مشتری بانک، در ابتدا از بانک می‌خواهد تا کالایی خاص (مثلاً فلزات) را به نیابت از او و برای او خریداری نماید. پس از خریداری شدن کالای موردنظر توسط بانک، مشتری متعهد می‌شود که بهای کالای موردنظر را به اضافه میزان مشخصی کارمزد (که براساس توافق طرفین تعیین می‌شود) به بانک بازپرداخت نماید، اما پیش از این کار، از بانک می‌خواهد تا آن کالا را در بازار به فروش رسانده و پول به‌دست‌آمده از طریق فروش آن را به او منتقل سازد. بدین ترتیب، مشتری بانک می‌تواند نیاز خود به سرمایه را از طریق فروخته شدن کالای موردنظر برطرف سازد و در مقابل، ظرف مدت مشخصی (که توسط بانک تعیین می‌شود) نسبت به بازپرداخت بدهی‌اش به بانک اقدام نماید.

ذکر یک مثال می‌تواند این فرایند را قابل‌فهم‌تر سازد: فرض کنید که چند سال قبل (پیش از اسلامی شدن یک بانک) اقدام به اعطای یک وام ۱۰۰ دلاری با نرخ بهره پنج درصد و مدت بازپرداخت ده‌ساله به یک مشتری نموده است. به‌فرض، مشتری تا زمان اسلامی شدن بانک، نیمی از اصل وام را به بانک بازپرداخت کرده و ۵۰ دلار از بدهی‌اش به بانک باقی مانده است. پس از اسلامی شدن بانک، طرفین قرارداد وام وارد عقد اسلامی "تورک" می‌شوند که براساس آن، بانک پس از خرید یک کالای ۵۰ دلاری برای مشتری و فروختن آن در بازار، ۵۰ دلار به مشتری موردنظر پرداخت می‌کند تا او را قادر به تسویه باقیمانده بدهی‌اش نماید و بدین ترتیب، بدهی ربوی او به بانک، لغو می‌شود. بازپرداخت این وام ۵۰ دلاری جدید نیز براساس الگوهای بانکداری بدون‌ربا امکانپذیر خواهد بود. برای توضیح بیشتر رجوع کنید به تصویر زیر.



لازم به یادآوری است که اگرچه ابزار اسلامی "تورک" با هدف تسهیل و تطهیر فرایند تبدیل شدن بانک‌های غیراسلامی به اسلامی و حذف مصادیق ربا از ابزارهای مالی مورد استفاده قرار می‌گیرد، اما برخی از علمای اسلامی و متخصصان بانکداری اسلامی، آن را غیراسلامی می‌دانند و با استفاده از آن مخالفتند. در نتیجه، هر چند که از این ابزار مالی در منطقه خاورمیانه استفاده می‌شود، اما در سایر مناطق جهان، از سوی بانکداران اسلامی غیرمجاز شناخته می‌شود.

■ ■ ■  
**اگر سرمایه‌گذاران، از قانونمند شدن بانک‌های اسلامی و شفاف بودن فعالیت‌های آنها مطمئن باشند، با اطمینان و اعتماد بیشتری نسبت به سرمایه‌گذاری در آنها اقدام خواهند نمود.**  
 ■ ■ ■

اسلامی، دست‌به‌دامان استراتژی‌هایی چون به‌کار بستن عقود اسلامی خاص مانند "اجاره"، "تورک (Tawarruq)" و "مشارکت" شده‌اند. در کادر شماره یک، نحوه استفاده از یک محصول اسلامی موسوم به "تورک" جهت تطهیر و حلال کردن فرایند تبدیل از حالت غیراسلامی به اسلامی شرح داده شده است. به‌هرحال، اگرچه افزایش تعداد زیرمجموعه‌های اسلامی و در پیچه‌های آرایه خدمات بانکداری منطبق با شریعت اسلام

کارشناسان و صاحب‌نظران امور بانکی و مالی جهان بر آن است که با تبدیل‌شدن نظام بانکی و مالی کشورها از حالت سنتی و ربوی به اسلامی و غیرربوی، بسیاری از نقاط ضعف و پریشانی این نظام‌ها برطرف شده و بر استحکام و قوام این سیستم‌ها افزوده خواهد شد. پرواضح است که اجرای چنین فرایندی در کشورهای دارای اکثریت مسلمان، به‌مراتب آسان‌تر و قابل‌قبول‌تر از سایر کشورهایی است که فاقد جمعیت مسلمان قابل‌توجه هستند. دو نمونه شاخص اسلامی‌شدن نظام مالی در کشورهای اسلامی عبارتند از ایران و سودان. در ایران، پس از تصویب قانون بانکداری بدون ربا در سال ۱۹۸۳، ربا از سیستم بانکی حذف گردید و نظام مالی کشور، به‌طور کامل، غیرربوی شد. شبیه همین فرایند در کشور سودان شکل گرفت که نقطه اوج آن، در سال ۱۹۹۲ و باتصویب قانون بانکداری اسلامی در این کشور بود.

در نقطه مقابل، در بسیاری از کشورهای اسلامی، یک سیستم ترکیبی تشکیل شده از دو سیستم بانکی ربوی و غیرربوی شکل گرفته است که تداوم‌یافتن این وضعیت به سود هر دو طرف اصلی این معادله بوده است. نمونه‌های شاخص این الگو را می‌توان در مالزی و بحرین سراغ گرفت که به عنوان دو کانون اصلی بانکداری و مالیه اسلامی در جهان، مطرح شده‌اند. در هر دو این کشورها، وجود سیستم بانکی و مالی دوگانه موجب شده است که علاوه بر ایجاد جو رقابتی در میان بازیگران عرصه‌های مالی و خدمات‌رسانی بانکی، زمینه مساعدی برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی فراهم گردد که هم از سوی سرمایه‌گذاران غیرمسلمان (مشتریان بانک‌های غیراسلامی این کشورها) و هم از سوی سرمایه‌گذاران مسلمان (مشتریان بانک‌های اسلامی آنها) تامین می‌شود.

بنابراین، برخی از صاحب‌نظران معتقدند که اسلامی‌کردن چشم‌پوشته و شتابزده یک سیستم مالی ترکیبی که به طور توأمان از مزایای ابزارهای مالی اسلامی و غیراسلامی سود

می‌تواند موجب افزایش رقابت و بهبود کیفیت خدمات‌رسانی مالی اسلامی شود، اما در عین حال، می‌تواند باعث واردآمدن بار سنگین و غیرقابل‌تحملی بر دوش نهادهای قانونگذاری و نظارتی در بخش بانکداری اسلامی گردد. در نتیجه، برای پرهیز از بروز چنین مشکلاتی، بانک‌های مرکزی کشورهای اسلامی، در حوزه اعطای مجوز برای تبدیل‌شدن بانک‌های غیراسلامی به اسلامی یا تاسیس درجه‌های اسلامی از سوی بانک‌های غربی در کشورهای اسلامی، با احتیاط و وسواس عمل می‌کنند تا از پیچیده‌ترشدن اوضاع و خارج‌شدن کنترل و زمام صنعت بانکداری اسلامی جلوگیری به‌عمل آورند. البته باید به این واقعیت نیز اذعان کرد که به‌رغم تمام این تلاش‌ها، باز هم شاهد افزایش تعداد بازیگران عرصه بانکداری اسلامی و مالیه اسلامی در سراسر نقاط جهان بوده‌ایم.

پس از آن که بانک‌های اسلامی، اقدام به گسترش حوزه فعالیت و تنوع‌بخشیدن به خدمات و محصولات مالی اسلامی خود نمودند، برخی دیگر از موسسات مالی غیربانکی نیز وارد عرصه خدمات‌رسانی مالی منطبق با شریعت اسلام شدند و پدیده‌هایی چون تکفل (بیمه اسلامی)، صکوک (اوراق قرضه اسلامی) و ابزارهای مالی مشتقه از محصولات بانکی اسلامی را شکل بخشیدند. شرح کامل و مبسوط این تحولات و ذکر ویژگی‌های هرکدام از این موسسات و ابزارهای مورد‌استفاده آنها، از حوصله این مقاله خارج است. بنابراین، علاقمندان به این موضوع را به مقالاتی چون پژوهش اقبال و موندکس (۲۰۰۵)، سوله (۲۰۰۷) و الاوان (۲۰۰۶) که همگی توسط صندوق بین‌المللی پول منتشر شده‌اند، ارجاع می‌دهم.

### اسلامی‌کردن کامل نظام‌های مالی

تصمیم‌گیری و اقدام در جهت اسلامی‌کردن کامل بخش مالی کشورها، فرایندی است که به شدت تحت تأثیر زمینه‌های سیاسی و مذهبی قرار دارد. به‌طور کلی، اعتقاد عمومی

کادر شماره دو

### مراحل معرفی و گسترش مالیه اسلامی در مالزی

از سال‌های نخستین دهه ۱۹۷۰، سیاست‌گذاران عرصه‌های مالی و اقتصادی مالزی در پی معرفی و گسترش اصول مالیه اسلامی در این کشور اسلامی برآمدند و در نخستین گام، از چند موسسه مالی تخصصی اسلامی حمایت کردند. با پیوستن اقتصاد مالزی به اقتصاد جهانی و مهیا‌شدن زمینه برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی، دست‌اندرکاران صنعت بانکداری مالزی تصمیم گرفتند تا سیستم بانکی مرکب از بخش بانکداری و مالیه اسلامی و غیراسلامی را در این کشور به‌وجود آورند و پس از مدت کوتاهی و با کسب موفقیت‌های شگفت‌آور و تحسین‌برانگیز در این حوزه، آن را به الگویی برای سایر کشورهای اسلامی که به سمت ایجاد سیستم‌های بانکی ترکیبی گرایش داشتند، تبدیل کنند. در نتیجه عملکرد درست و دوراندیشانه سیاست‌گذاران مالی و اقتصادی مالزی بود که این کشور توانسته است در حال حاضر، به مکانی امن برای سرمایه‌گذاری ثروتمندان جهان، منطقه و مالزی بدل گردد. این فرایند موفق و مثال‌زدنی دارای چهار مرحله اصلی بود که عبارتند از:

■ ■ ■  
شفاف‌سازی فعالیت‌ها و اثبات رعایت اصول دینی در عملیات بانکی، موجب افزایش اعتبار و وثوق بانکداران اسلامی در بازار داغ رقابت‌های جهانی خواهد شد.  
■ ■ ■

**مرحله اول - آغاز به فعالیت موسسات مالی اسلامی کوچک:** در سال ۱۹۶۳، یک موسسه مالی اسلامی کوچک شروع به خدمات‌رسانی به مشتریان مالزیایی، آن هم در سطحی محدود نمود. این موسسه مالی، یک صندوق پس‌انداز اسلامی بود که با جمع‌آوری سپرده‌های خرد و کوچک افراد، زمینه مشرف‌شدن آنها به سفر حج را فراهم می‌کرد. چند سال بعد، در سال ۱۹۸۳ و با تصویب قانون بانکداری اسلامی در مالزی، نخستین بانک اسلامی مالزی به نام "بانک اسلام مالزی Bernhard" موفق به کسب مجوز فعالیت در بخش بانکی مالزی شد و خیلی زود از حمایت‌های دولت مالزی برخوردار شد. در همین سال بود که بانک مرکزی مالزی، گواهی سرمایه‌گذاری اسلامی را به میزان گسترده‌ای منتشر نمود و این اقدام هم با استقبال خیره‌کننده سرمایه‌گذاران مواجه گردید.

**مرحله دوم - گرایش بانک‌های غیراسلامی به ایجاد دریچه‌های اسلامی:** در اوایل دهه ۱۹۹۰، سه بانک غیراسلامی فعال در مالزی اقدام به تاسیس دریچه‌های اسلامی و ارائه برخی از محصولات مالی و بانکی منطبق با شریعت اسلام (البته به صورت محدود و کنترل‌شده) نمودند. این بانک‌ها توانستند با استفاده از شبکه گسترده و فراگیر شعب خود و همچنین با بهره‌گیری از تجربیات و دانش قابل‌توجه کارکنان و مدیران خود، بر توانایی‌ها و پتانسیل‌های فراروی بانکداری اسلامی بیفزایند و طیف وسیعی از مشتریان بالقوه خدمات مالی اسلامی را جذب نمایند. در اواخر سال ۱۹۹۴ بود که بانک مرکزی مالزی پس از موافقت با تاسیس بازار پولی بین‌بانکی اسلامی، به موسسات مالی اسلامی اجازه داد تا پورتفولیوی خود را براساس نیازهای مالی کوتاه‌مدت خود تنظیم کنند.

**مرحله سوم - تبدیل شدن برخی از بانک‌های غیراسلامی به بانک‌های اسلامی تمام‌عیار:** پس از مدت کوتاهی، بانک‌های غیراسلامی متعددی که اقدام به تاسیس دریچه‌های اسلامی کرده بودند، با مشاهده گرایش روزافزون مشتریان خود به سمت خدمات و محصولات بانکی اسلامی، تصمیم گرفتند تا ضمن ایجاد تغییرات اساسی در ساختارهای عملیاتی و مدیریتی خود، به بانک‌های اسلامی تمام‌عیار تبدیل شوند و بدین ترتیب، دومین بانک اسلامی بزرگ مالزی به نام "بانک معاملات" از تلفیق دو بانک غیراسلامی Bumiputra و بانک تجارت مالزی که تا پیش از این دارای دریچه‌های اسلامی پروتقی بودند، به وجود آمد.

**مرحله چهارم - ورود موسسات مالی اسلامی متعدد به بازار مالیه اسلامی مالزی:** در سال ۲۰۰۱ و با تاسیس بازار سرمایه اسلامی در مالزی و انتشار انواع گوناگون اوراق بهادار اسلامی و رونق‌گرفتن بازار مبادلات این اوراق در بورس مالزی، مجموعه‌ای از موسسات مالی اسلامی با تخصص‌های مختلف و متفاوت وارد کارزار خدمات‌رسانی مالی اسلامی شدند و به بخش عمده نیازهای مالی و سرمایه‌گذاری مشتریان مسلمان و حتی غیرمسلمان مالزی و منطقه آسیای جنوب شرقی پاسخ دادند. این موفقیت عظیم و بی‌نظیر زمینه‌ای شد برای ترکیب و ادغام کامل و سریع اقتصاد مالزی و نظام مالی این کشور در نظام اقتصادی و بانکی بین‌المللی.

می‌برد، می‌تواند به مثابه "ترمزی شدید برای فعالیت‌های مالی و اقتصادی" عمل کند.

**نقش نهادهای نظارتی**  
نقشی که نهادهای ناظر بر عملکرد بانک‌های اسلامی ایفا می‌کنند، نقشی دوجبهی است: از یک سو، این نهادها، انواع سنتی و رایج نظارت‌ها را بر صنعت مایه اسلامی اعمال می‌کنند و از سویی دیگر، می‌توانند زمینه‌ساز رشد و توسعه مطلوب در این حوزه باشند. در این بخش از مقاله به هرکدام از این دو نقش به صورت جداگانه خواهیم پرداخت.

**نظارت عمومی:** همانطوری که در حوزه بانکداری غیراسلامی نیز مرسوم است، نهادهای نظارتی می‌بایستی از ثبات و سلامت نظام‌های مالی به‌طور عام و عملکرد صحیح و سالم بانک‌ها و موسسات مالی فعال در این نظام‌ها به‌طور

خاص، اطمینان حاصل کنند. بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که کارکردهای نظارتی و کنترل این نهادها - چه در مورد بانک‌های اسلامی و چه در مورد بانک‌های غیراسلامی - تقریباً یکسان و مشابه است و همین مساله، شایبه و پندار غلط مبنی بر بی‌نیازبودن بانک‌های اسلامی از کنترل و نظارت را از بین خواهد برد.

با اینهمه، یکسری ویژگی‌ها و ملاحظات در بطن سیستم بانکداری اسلامی وجود دارد که نظارت بر بانک‌ها و موسسات مالی فعال در این حوزه را آسانتر می‌کند که به‌برخی از آنها در پایین اشاره شده است.

**ملاحظات اخلاقی:** ملاحظات اخلاقی از بطن هرگونه فعالیت بانکی و سرمایه‌گذاری که مبتنی بر ماهیت ریسک‌پذیربودن و خطرکردن است، سرچشمه می‌گیرد. به‌طورکلی، سپرده‌گذاران با هدف سرمایه‌گذاری پول خود در

تصمیم‌گیری و اقدام در جهت اسلامی‌کردن کامل بخش مالی کشورها، فرایندی است که به شدت تحت‌تأثیر زمینه‌های سیاسی و مذهبی قرار دارد.



بخش‌های سودآور و مطمئن، به بانک رجوع و در آن سپرده‌گذاری می‌کنند. با توجه به این مساله که در نظام بانکداری اسلامی، بانک‌ها می‌توانند بخشی از زیان و ضرر احتمالی ناشی از سرمایه‌گذاری را به سپرده‌گذاران منتقل کنند، امکان ورود بانک‌ها به حوزه‌های سرمایه‌گذاری پرخطرتر و در عین حال، پرسودتر فراهم می‌شود، حال آن که چنین امکانی برای بانک‌های غیراسلامی که موظف به تضمین کامل سپرده‌ها و پرداخت سود قطعی از پیش تعیین شده به آنها هستند، وجود ندارد.

با اینهمه، باید دانست که میزان ریسکی که بانک‌های اسلامی به سپرده‌گذاران خود منتقل می‌کنند، متغیر و منوط به میزان رقابت در درون نظام بانکداری اسلامی کشورهاست. بدیهی است که در نظامی که بانک‌های اسلامی بر سر جذب مشتریان و سرمایه‌گذاران بیشتر با هم رقابت می‌کنند، تلاش برای به حداقل رساندن احتمال بروز زیان برای سپرده‌گذار، شدت می‌گیرد. بنابراین، در عمل شاهدیم که بانک‌های اسلامی برای دوری جستن از احتمال انتقال زیان به مشتریان خود، از "ذخیره ریسک سرمایه‌گذاری"<sup>(۴)</sup> استفاده می‌کنند.

**حفاظت از منافع سپرده‌گذاران:** سپرده‌گذاران در بانک‌های اسلامی با ریسک‌های مشابه سپرده‌گذارانی که در بانک‌های غیراسلامی سرمایه‌گذاری کرده‌اند، روبرو هستند و لذا نیازمند حفاظت شدن از سوی نهادهای بی‌طرف نظارتی می‌باشند.

**ملاحظات سیستمیک:** در حالی که ورشکستگی شرکت‌ها و بنگاه‌های تجاری، دارای پیامدهای منفی عمومی و گسترده‌ای برای عموم اقشار جامعه نیست، سقوط یک بانک می‌تواند علاوه بر وارد آوردن ضرر و زیان هنگفت و عظیم بر زندگی هزاران و شاید میلیون‌ها نفر، موجب از بین رفتن اعتماد عمومی شهروندان به شبکه بانکی و نظام مالی کشورها گردد، زیرا مردم، نهادهای نظارتی و قانونگذار را مسوول اصلی فعالیت و عدم‌کارایی بانک ورشکسته می‌دانند.

**رعایت موازین شرعی:** همانطور که پیش از این نیز اشاره شد، ناظران بر بانک‌های اسلامی، بایستی از درک و شناخت کاملی نسبت به نحوه فعالیت بانک‌های اسلامی و میزان انطباق آنها با قوانین و مقررات شرع اسلام برخوردار باشند. در برخی از کشورهای اسلامی، بانک‌های اسلامی خصوصی دارای هیات‌های شرعی خاص خود هستند که بر نحوه رعایت موازین شرعی در خدمات‌رسانی مالی آن بانک‌ها نظارت می‌کنند. با اینهمه، در درون نهادهای نظارتی و قانونگذاری بانکی کشورها نیز بایستی هیات‌های علمی و فقهی متشکل از خبرگان و متخصصان مسایل بانکداری بدون ربا و منطبق با شریعت اسلام وجود داشته باشند.

علاوه بر نظارت‌های اعمال شده در درون کشورها، نیاز مبرمی به تدوین و اجرای مقررات بین‌المللی و فراگیر در حوزه بانکداری اسلامی احساس می‌شود که برآیند این احساس نیاز، تاسیس هیات خدمات مالی اسلامی (IFSB) در سال ۲۰۰۲ می‌باشد. وظیفه اصلی این نهاد بین‌المللی، تهیه و تدوین استانداردها و قوانین جامع بانکداری اسلامی بین‌المللی و پیشنهاد استانداردهای مکمل مقررات و سیاست‌های ملی و منطقه‌ای مورد استفاده در مورد بانک‌ها و موسسات مالی اسلامی در نظر گرفته شده است. با توسعه روزافزون قوانین و عهدنامه‌های بین‌المللی در حوزه بانکداری اسلامی (از قبیل عهدنامه باسل ۲)، هیات خدمات مالی اسلامی نیز در سال ۲۰۰۵، اقدام به تدوین استانداردهای ویژه بانکداری اسلامی در حوزه‌هایی چون کفایت سرمایه، مدیریت ریسک و حاکمیت شرکتی برای بانک‌ها و موسسات مالی اسلامی نمود.

### توسعه صنعت بانکداری اسلامی

نهادهای نظارتی و قانونگذاری بانکی در هر کشوری می‌توانند نقشی تعیین‌کننده در توسعه صنعت بانکداری و مالیه آن کشور بازی کنند. این مساله در مورد صنعت مالیه اسلامی، مصداق بیشتری پیدا می‌کند، زیرا عملکرد درست و مطلوب نهادهای نظارتی می‌تواند بسترساز حضور موفق‌تر بانک‌های اسلامی در سیستم‌های بانکی غیراسلامی شده و بسیاری از مشتریان سایر بانک‌ها را به سمت خدمات مالی منطبق بر شریعت اسلامی، جذب نماید. بر این اساس، نهادهایی چون بانک مرکزی و وزارت دارایی، قادر خواهند بود تا موانع موجود بر سر راه ورود بانک‌های اسلامی به سیستم‌های مالی غیراسلامی را برطرف کنند و اطلاع‌رسانی عمومی مطلوبی را در مورد مزایا و برتری‌های عملیاتی بانکداری اسلامی اعمال دارند.

به‌طور کلی، نهادهای نظارتی و قانونگذاری کشورها، سه وظیفه اصلی در قبال بانک‌های اسلامی برعهده دارند: (۱) حصول اطمینان از این که فعالان و دست‌اندرکاران بانک‌های اسلامی به درک و فهم کافی و درست از اصول بانکداری بدون ربا رسیده‌اند، (۲) حصول اطمینان از سلامت و مطلوبیت فرایند تبدیل شدن بانک‌های غیراسلامی به اسلامی، (۳) حصول اطمینان از برخوردار شدن مشتریان و سپرده‌گذاران بانک‌های اسلامی از همان درجه از حمایت‌ها و حفاظت‌های ارایه شده برای مشتریان بانک‌های غیراسلامی.

برای تحقق اهداف فوق، تشکیل گروه‌های کاری مرکب از نمایندگان نهادهای نظارتی و قانونگذاری از یک سو، و نمایندگان مجامع مالی اسلامی از سوی دیگر، می‌تواند مفید و ضروری باشد. وظیفه اصلی این گروه‌های کاری عبارتست از شناسایی چالش‌های پیش روی صنعت بانکداری اسلامی و

وجود سیستم بانکی و مالی دوگانه در مالزی و بحرین موجب شده است که علاوه بر ایجاد جو رقابتی، زمینه مساعدی هم برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی فراهم شود.

کادر شماره سه

### ترقی بحرین به عنوان یک مرکز مالی اسلامی

اگرچه کشور بحرین، به علت واقع شدن در یک منطقه استراتژیک و ثروتمند و برخورداری از عوامل خارجی مساعد، توانسته است به موفقیت‌های بی‌نظیری در حوزه بانکداری اسلامی دست یابد، اما نباید فراموش کرد که در واقع، عملکرد درست و هدفمند نهادهای نظارتی و قانونگذاری مالی بحرین باعث شد که امکان به‌حداکثر رساندن برخورداری بحرین از مزیت‌های جغرافیایی، سیاسی و اجتماعی مرتبط با سیستم مالی این کشور فراهم شود. در طی دهه ۱۹۷۰، لبنان شاهد جنگ داخلی طولانی و مهلکی بود که بانک‌های لبنانی را از پیامدهای منفی خود بی‌نصیب نگذاشت و آنها را مجبور کرد که برای ادامه فعالیت خود به منطقه خلیج فارس روی آورند. از میان کشورهای این منطقه، بحرین بیش از سایرین از این موقعیت استفاده کرد و علاوه بر جذب سرمایه‌های عظیم فراری از لبنان، تعداد زیادی از بانکداران و مدیران مالی مجرب و توانای بانک‌های لبنانی را نیز به بحرین منتقل ساخت.

در سال ۱۹۷۵، مجموعه قوانین بانکداری برون‌مرزی از سوی بانک مرکزی بحرین به تصویب رسید که بر اساس آن، بانک‌های خارجی، اجازه می‌یافتند تا وارد نظام بانکی بحرین شوند، بدون این که مجبور به رعایت پاره‌ای از قوانین و دستورالعمل‌های دست‌وپاگیر رایج در آن نظام باشند. فراهم شدن چنین محیط مساعد و مطلوبی برای فعالیت بانک‌های خارجی در بحرین، موجب هجوم گسترده بانک‌ها و موسسات مالی اسلامی به این کشور گردید، به نحوی که ظرف چهار سال پس از تصویب قانون موردنظر، بیش از ۲۷ بانک و موسسه مالی اسلامی در بحرین فعال شدند و طیف متنوعی از محصولات بانکی و مالی اسلامی - اعم از سرمایه‌گذاری‌های کم‌خطر و پرخطر و عقود اسلامی پرشمار و پرتعداد - را به مشتریان خود عرضه داشتند.

در نتیجه همین تحولات و پیشرفت‌ها بود که امروزه شاهد عرض‌انداز بحرین به عنوان یکی از پررونق‌ترین بازارهای مالی اسلامی و مرکز فعالیت و هدایت نهادهای بین‌المللی بانکداری اسلامی از قبیل سازمان حسابداری و حسابرسی موسسات مالی اسلامی، موسسه بین‌المللی رتبه‌بندی اسلامی (IIRA)<sup>(۵)</sup>، بازار مالی اسلامی بین‌المللی (IIFM)<sup>(۶)</sup> و مرکز مدیریت نقدینگی اسلامی (ILMC)<sup>(۷)</sup>، هستیم. حضور پررنگ و فعال این سازمان‌ها و همچنین فعالیت گسترده و فزاینده تعداد بسیار زیادی از موسسات مالی خصوصی اسلامی در بحرین، این کشور را به یکی از مهمترین کانون‌های خدمات‌رسانی مالی اسلامی و نوآوری‌های بانکی اسلامی تبدیل کرده است.

ارایه پیشنهادها و مشاوره‌های کلیدی به نهادهای ذیربط. بهترین مثال برای توصیف نقش کلیدی و مثبتی که نهادهای نظارتی و قانونگذاری می‌توانند برای ارتقای سطح کیفی و کمی خدمات‌رسانی مالی اسلامی ایفا نمایند، عملکرد کشور بحرین و نهادهای نظارتی فعال در آن می‌باشد که در کادر شماره سه بدان پرداخته‌ایم.

#### ایجاد زیرساخت‌های مالی اسلامی از نوع حمایتی

نظام‌های بانکی سازمان‌یافته و قاعده‌مند، همیشه به یکسری زیرساخت‌های خاص و قدرتمند نیاز دارند تا با کمک آنها بتوانند پوشش حمایتی مناسبی را برای بانک‌ها و موسسات مالی فراهم آورند و بهترین و ایمن‌ترین روش تخصیص سرمایه‌های بانکی را به بانک‌ها عرضه نمایند. در سیستم‌های مالی غیراسلامی، بانک‌ها و موسسات مالی از طرق مختلف تحت حمایت این زیرساخت‌ها قرار دارند و با استفاده از همین

حمایت‌ها، عملیات و فعالیت‌های روزانه خود را به پیش می‌برند و تا حد زیادی از هزینه‌های حاشیه‌ای خود می‌کاهند. در این بخش از مقاله قصد داریم تا به سه عنصر حمایتی که در الگوی بانکداری اسلامی قابل پیاده‌شدن بوده و کمابیش در کشورهای اسلامی وجود دارد، اشاره نماییم. این سه عنصر حمایتی عبارتند از: (۱) برنامه بیمه سپرده‌های اسلامی، (۲) بازار مبادلات پولی بین‌بانکی اسلامی، (۳) اوراق بهادار ملی اسلامی. (۱) بیمه سپرده‌های اسلامی (تکفل سپرده): یکی از اصول پذیرفته‌شده و جاافتاده در سیستم‌های بانکی غیراسلامی، مربوط می‌شود به این عقیده که بیمه سپرده، قوی‌ترین ابزار برای ایجاد اعتماد در بین عموم مردم به طور عام و بین سپرده‌گذاران به‌طور خاص، نسبت به موسسات دریافت‌کننده سپرده‌های مردم بوده و خواهد بود. همین مساله در مورد بانک‌های اسلامی نیز مصداق پیدا می‌کند. امروزه در برخی از کشورهای میزبان بانک‌های اسلامی، قانون بیمه سپرده یا

عملکرد درست و دوراندیشانه سیاستگذاران مالی و اقتصادی مالزی موجب شد که این کشور به مکانی امن برای سرمایه‌گذاران تبدیل شود.

بانکی - اعم از اسلامی و غیراسلامی - نزد بانک‌ها و موسسات مالی فعال در این کشور را تحت پوشش تکفل سپرده قرار دهد، البته قرار بر این است که کلیه سرمایه‌های به‌دست‌آمده از طریق ارایه بیمه سپرده برای سپرده‌های اسلامی، جدای از سرمایه‌های مربوط به سپرده‌های غیراسلامی، نگهداری، سرمایه‌گذاری و محاسبه شود.

**۲) بازار مبادلات پولی بین‌بانکی اسلامی:** یکی از خصوصیات مشترک بانک‌ها در سرتاسر جهان، تمایل شدید آنها به ترکیب‌کردن بدهی‌های کوتاه‌مدت با دارایی‌های بلندمدت در ترازنامه است که به‌طور طبیعی موجب بروز پاره‌ای ناهمسانی‌ها می‌شود. بانک‌ها معمولاً می‌کوشند تا ریسک‌های بالقوه ناشی از این ناهمسانی را از طریق اعمال یکسری کنترل‌ها و مدیریت بر نقدینگی خود و انتقال آن به بازار مبادلات بین‌بانکی به‌حداقل برسانند. با توجه به این مساله که بازارهای مبادلات بین‌بانکی غیراسلامی، دربردارنده ربا و مصادیق آن هستند، لذا بانک‌های اسلامی قادر به ورود به این بازارها نبوده و نیازمند طراحی بازارهای مجزا و اسلامی برای انجام مبادلات بین‌بانکی خود با هدف اعمال مدیریت بر نقدینگی خود می‌باشند.

تا چندی پیش، بانک‌های اسلامی در بیشتر کشورهای جهان - حتی کشورهای اسلامی - دسترسی مطلوبی به اوراق بهادار کوتاه‌مدت قابل‌مبادله در بازار نداشتند و در نتیجه، نمی‌توانستند سرمایه‌های مازاد خود را در اختیار سایر بانک‌های اسلامی بگذارند یا در زمان اضطرار و نیاز به نقدینگی، از آنها طلب سرمایه اضافی‌شان را نمایند. همین امر موجب می‌شد تا بانک‌های اسلامی مجبور شوند میزان قابل‌ملاحظه‌ای از سرمایه‌های خود را ذخیره کنند تا بتوانند از آنها در زمان نیاز مبرم، بهره‌گیرند و این، یعنی معطل شدن مقادیر عظیمی سرمایه اسلامی و کندشدن سرعت رشد و پیشرفت بانک‌های اسلامی.

نخستین گام‌ها برای رفع این نقیصه را بانک مرکزی مالزی با ایجاد "بازار مبادلات پولی بین‌بانکی اسلامی" (MIIMM)<sup>(۹)</sup> در سال ۱۹۹۴ برداشت، اقدامی که چند سال بعد از سوی سازمان پولی بحرین و در قالب ایجاد مرکز مدیریت نقدینگی اسلامی (LMC)<sup>(۱۰)</sup> تکرار شد و رونق خوبی به بازار سرمایه‌گذاری‌های اسلامی بخشید و بهبود وضعیت مدیریت نقدینگی نزد بانک‌های اسلامی را به‌دنبال داشت.

### ۳) اوراق بهادار ملی اسلامی:

۱) اوراق بهادار دولتی: اوراق بهادار منتشرشده از سوی دولت‌ها، علاوه بر استفاده‌شدن به عنوان ابزارهای استقرایی، دارای قابلیت تنظیم و هدایت بازارهای مالی و پیاده‌کردن سیاست‌های پولی بانک‌های مرکزی می‌باشند. در سال‌های

تکفل سپرده با هدف حمایت از سپرده‌گذاران و بانک‌های دریافت‌کننده سپرده‌های عمومی، به مرحله اجرا درآمده است. اجرای این قانون، به‌ویژه در کشورهای کم‌درآمد که ویژگی مشترک بسیاری از آنها، بی‌اعتمادی نسبت به شبکه بانکی است، می‌تواند تاثیر به‌سزایی در تشویق مردم به مشارکت در سرمایه‌گذاری‌های نظام مالی و کاهش درصد افراد "بدون‌بانک" (Un-banked) داشته باشد. با اینهمه، باید دانست که بیمه سپرده، به آن صورت که در سیستم‌های مالی غیراسلامی و ربوی کاربرد دارد، قابل پیاده‌شدن در نظام‌های مالی اسلامی نیست و حرام شمرده می‌شود. به همین منظور، ابزار حمایتی جدیدی به نام "تکفل سپرده" طراحی شده است که هم با اصول شریعت اسلام همخوانی دارد و هم به حمایت از سپرده‌های مردم نزد بانک‌ها کمک می‌کند.

در سال ۲۰۰۶، مجمع بین‌المللی بیمه سپرده (IADI)<sup>(۸)</sup>، بیانیه‌ای را صادر کرد و در آن، از ارائه‌دهندگان خدمات تکفل سپرده خواست تا پیش از آغاز فعالیت و خدمات‌رسانی خود، پاسخ سوالات کلیدی زیر را به صورت شفاف و عمومی به اطلاع مشتریان بالقوه خود برسانند. این سوالات کلیدی عبارتند از:

□ میزان پوشش برنامه تکفل سپرده: آیا تکفل سپرده شامل کلیه سپرده‌های اسلامی می‌شود، یا این که فقط پس از ارایه درخواست از سوی مشتری، فعال می‌شود؟

□ نحوه جذب سرمایه‌ها و سرمایه‌گذاری: سرمایه موردنیاز برای اجرای برنامه تکفل سپرده از کجا و چطور تامین می‌شود؟ و محل سرمایه‌گذاری دارایی‌های موسسه ارایه‌دهنده خدمات تکفل سپرده کجاست؟

□ نحوه برخورد با بانک‌هایی که از عمل به تعهدات خود در حوزه تکفل سپرده تخطی کنند، چگونه است؟

متأسفانه در بیشتر کشورهایی که بانک‌ها و موسسات مالی اسلامی در آنها فعال هستند، خدمات بیمه سپرده مطلوبی به مشتریان بانک‌های اسلامی عرضه نمی‌شود و در برخی دیگر از این کشورها، خدمات بیمه‌ای خاصی برای سپرده‌های بانک‌های اسلامی ارایه می‌شود که با اصول شریعت اسلام، همخوانی و مطابقت لازم را ندارد، چون که بخشی یا کل سرمایه‌های جمع‌آوری‌شده در قالب بیمه سپرده‌های بانکی، به صورت دارایی‌ها و سرمایه‌های ربوی سرمایه‌گذاری می‌شوند.

با اینهمه، تلاش‌های گسترده‌ای در برخی از کشورهای اسلامی برای ایجاد بیمه سپرده صورت پذیرفته و موفقیت‌های خوبی را برای دست‌اندرکاران این حوزه جدید فراهم نموده است. به‌عنوان مثال، بانک مرکزی ترکیه در سال ۲۰۰۳ به بانک‌های اسلامی فعال در این کشور اجازه داد تا به‌منظور ایجاد پوشش بیمه‌ای برای سپرده‌های خود، موسسه تکفل سپرده تاسیس نمایند. مالزی نیز قصد دارد تا سال ۲۰۰۸، کلیه سپرده‌های

■ ■ ■  
ملاحظات اخلاقی، از بطن هرگونه فعالیت بانکی و سرمایه‌گذاری که مبتنی بر ماهیت ریسک‌پذیر بودن و خطرکردن است، سرچشمه می‌گیرد.  
■ ■ ■

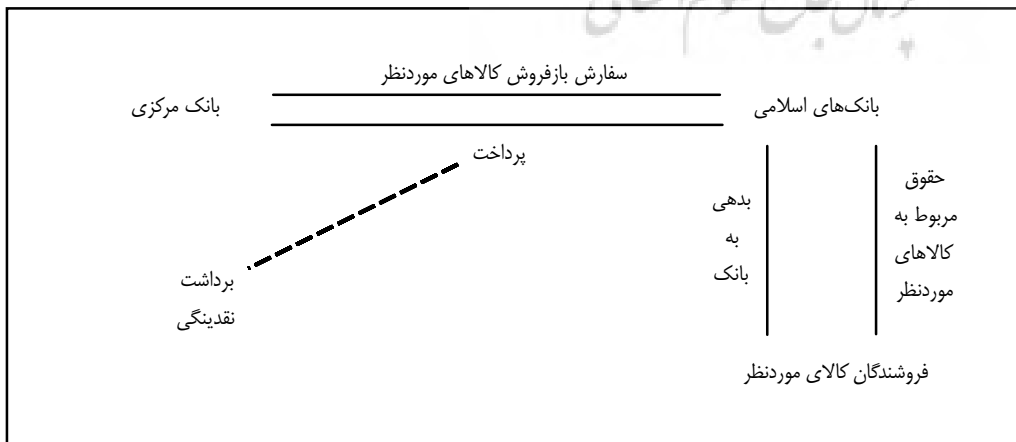
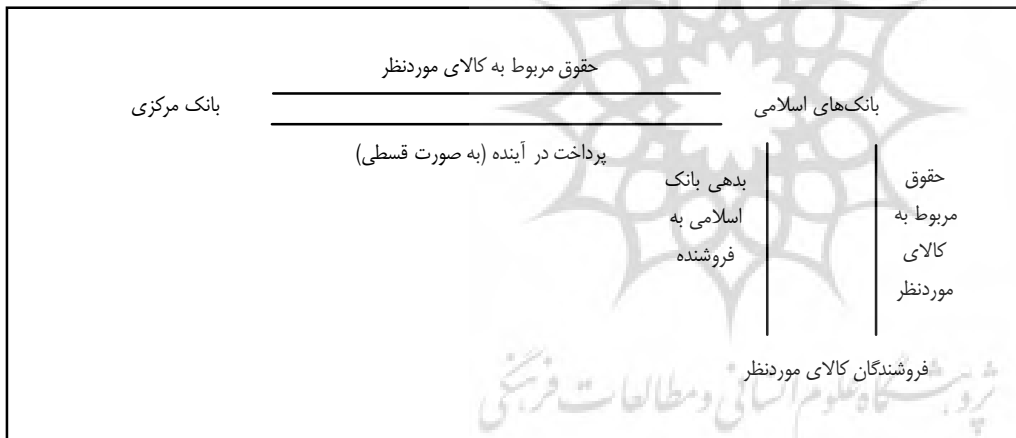
سیاست‌های تعیین‌شده از سوی بانک‌های مرکزی به منظور مدیریت نقدینگی نزد بانک‌های اسلامی بشمار می‌آید. مکانیزم عملیاتی تورک در پایین شرح داده شده است.

**مرحله یک:** فرض کنید که بانک مرکزی یک کشور اسلامی، تصمیم گرفته باشد تا بخشی از نقدینگی مازاد در بازار را جذب نماید. برای نیل به این مقصود، بانک مرکزی موردنظر می‌تواند با بانک‌های اسلامی فعال در کشور، وارد معامله شود و از آنها بخواهد تا از طرف بانک مرکزی، کالایی خاص (مثلاً فلزات) را خریداری نمایند. بانک‌های اسلامی پس از دریافت این تقاضا، می‌توانند با فروشندگان عمده آن کالای خاص (در مثال ما، همان فلزات) ارتباط برقرار کنند و میزان مشخصی از آن کالا را با قیمتی مشخص خریداری نمایند، ولی از پرداخت وجه آن کالا در زمان خرید خودداری کنند. از سویی دیگر، بانک مرکزی موافقت می‌کند تا بهای کالاهای موردنظر را در زمانی مشخص به بانک‌های اسلامی دخیل در این معامله پرداخت نماید و علاوه بر آن، مبلغی اضافی را نیز به عنوان کارمزد بدان اضافه نماید (مشابه آنچه در عقد مباحه روی می‌دهد).

**مرحله دوم:** پس از اتمام فرایندها، بانک مرکزی از

گذشته، بسیاری از کشورهای اسلامی، به دفعات، اقدام به انتشار اوراق قرضه اسلامی در قالب عقود اسلامی متنوعی چون اجاره، مشارکت و مباحه نموده‌اند که از جمله این پروژه‌ها می‌توان به انتشار اوراق قرضه مشارکتی در سودان (۱۹۹۳) و انتشار اوراق قرضه اسلامی اجاره‌ای در بحرین (۲۰۰۳) اشاره نمود.

۲) اوراق بهادار بانک مرکزی: بانک‌های مرکزی نیز قادر به انتشار اوراق قرضه ویژه‌ای هستند که به آنها این امکان را می‌دهد تا وظیفه اصلی‌شان را که همانا کنترل نقدینگی و مدیریت آن و پیاده‌کردن سیاست‌های پولی و مالی تعیین‌شده توسط دولت‌هاست، به انجام رسانند. در کشورهایی که دولت‌های آنها، تمایلی به انتشار مستقیم اوراق قرضه اسلامی برای حمایت مالی از بانک‌های اسلامی فعال نشان نمی‌دهند، بانک‌های مرکزی می‌توانند خود رأساً و جدای از دولت وارد عمل شوند و اوراق قرضه تضمینی منتشر سازند. نمونه اینگونه اقدامات را می‌توان در بانک مرکزی کویت مشاهده کرد که چند سال قبل، اقدام به انتشار اوراق قرضه با استفاده از ابزار اسلامی "تورک" نمود. ابزار مالی "تورک" که در بخش‌های پیشین همین مقاله هم بدان اشاره شد، بهترین ابزار برای پیاده‌شدن



■ ■ ■  
**ناظران بر بانک‌های اسلامی، بایستی از درک و شناخت کاملی نسبت به نحوه فعالیت بانک‌های اسلامی و میزان انطباق آنها با قوانین و مقررات شرع برخوردار باشند.**  
 ■ ■ ■

بانک‌های غیراسلامی و کلاسیک افزوده می‌شود. توسعه زیرساخت‌ها و ابزارهای حمایتی ویژه بانکداری اسلامی نیز از دیگر اولویت‌های فراروی ناظران و سیاستگذاران بانکی در غرب بشمار می‌آید.

درک و پذیرش بانکداری اسلامی، از دیدگاه مطلوبیت‌داشتن و موثر بودن آن در تقویت ثبات مالی، بسیار مهم و کلیدی خواهد بود. باید پذیرفت که نقش و جایگاه بانک‌های اسلامی نوظهور، با گذشت زمان و افزایش مبادلات آنها با بانک‌های غیراسلامی، پررنگ‌تر و حساس‌تر خواهد شد. بنابراین، تداوم‌یافتن خلأ قانونی و مدیریتی و نظارتی کنونی در حوزه بانکداری اسلامی در بسیاری از کشورها، می‌تواند در آینده‌ای نه‌چندان دور، ثبات و سلامت کلیت نظام‌های مالی جهان را تهدید کند. بنابراین، تمرکز بر مخاطرات و فرصت‌های بالقوه مرتبط با فعالیت بازیگران مالی اسلامی (که روزه‌روز بر تعداد آنها افزوده می‌شود) بایستی به یکی از اولویت‌های اصلی مقامات مالی و بانکی جهان و قانونگذاران این حوزه تبدیل شود.

با اینهمه، ایجاد و تقویت تعدادی از نهادها و سازمان‌های بین‌المللی ناظر بر فعالیت بانک‌ها و موسسات مالی اسلامی، طی سال‌های اخیر، بارقه‌های امید را در فضای جهان روشن ساخته است. تدوین استانداردها و مقررات نافذ و مطلوب، از رهاوردهای اصلی فعالیت این سازمان‌های مهم و کارآمد در طی عمر کوتاهشان بوده است. لذا مقامات اقتصادی و بانکی کشورها بایستی بر میزان تعاملات خود با این سازمان‌ها بیفزایند و از رهنمودهای ارزنده آنها بهره‌مند شوند. ■

#### پانوشته‌ها

- 1) Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institution.
- 2) Islamic Financial Services Board.
- 3) Profit - Loss Sharing.
- 4) Investment Risk Reserve.
- 5) International Islamic Ranking Agency.
- 6) International Islamic Financial Market.
- 7) Islamic Liquidity Management Center.
- 8) International Association for Deposit Insurance.
- 9) Malaysian Interbank Islamic Money Market.
- 10) Liquidity Management Center.

بانک‌های اسلامی می‌خواهد تا نسبت به بازفروش آن کالاها با همان قیمتی که از فروشنده خریداری نموده‌اند، به‌خود او اقدام نمایند. پس از دریافت وجوه حاصل از این بازفروش، کلیه این سرمایه‌ها از بانک‌های اسلامی به بانک مرکزی منتقل می‌شود. پرواضح است که چون این سرمایه‌ها در اصل از خزانه خود بانک‌های اسلامی برداشت شده‌اند و به بانک مرکزی منتقل شده‌اند، درنهایت باعث کاهش نقدینگی در دست بانک‌های اسلامی شده و بازار را کنترل می‌کنند. البته باید دانست که خود بانک‌های اسلامی مشارکت‌کننده در این فرایندها نیز در این میان منتفع می‌شوند، چون که کالاهایی را که به قیمتی پایین‌تر از فروشنده خریداری نموده بودند، با قیمتی بالاتر به بانک مرکزی فروخته‌اند و سپس آن را به فروشنده بازگردانده‌اند و در این میان، به سود قابل توجهی هم دست یافته‌اند (هرچند که این سرمایه به صورت قسطی و به‌تدریج، به بانک باز خواهد گشت).

#### نتیجه‌گیری

رورد بانکداری اسلامی به کشورهای غربی، روند پرشتابی به خود گرفته است. تداوم‌یافتن روند صعودی قیمت نفت و انباشته‌شدن ثروت‌های عظیم در منطقه خاورمیانه از یک سو، و رونق اقتصادی کشورهای مسلمان‌نشین جنوب شرق آسیا از سوی دیگر، بانک‌ها و موسسات مالی غربی را به سمت ارایه خدمات بانکی و مالی منطبق با شریعت اسلام سوق داده است. با اینهمه، شناخت و درک سیاستگذاران، مجریان و دست‌اندرکاران خدمات‌رسانی بانکی اسلامی از اصول و روش‌های بانکداری اسلامی، اندک و بسیار کمتر از حد مطلوب است و هنوز هم ناظران بر فعالیت‌های روزافزون بانک‌ها و موسسات مالی اسلامی، تا حد زیادی سردرگم و بی‌برنامه به‌نظر می‌رسند. در مقاله حاضر، تلاش شد تا بخش‌های مبهم و بدیع الگوهای مورد استفاده برای خدمات‌رسانی مالی اسلامی روشن شود و استراتژی‌های مدونی برای شناسایی و برخورد با چالش‌های پیش روی بانک‌های اسلامی در آینده پیشنهاد گردد.

با گسترش هرچه بیشتر صنعت بانکداری اسلامی و ترکیب‌شدن آن با سیستم‌های مالی و بانکی غربی، بر میزان اهمیت و لزوم اتخاذ سیاست‌های کلان در حوزه نظارت و مدیریت بر بانک‌های اسلامی، در کنار کنترل‌های سنتی بر

**ما را از پیشنهادها و نظریات خود بهره‌مند کنید.**

عملکرد درست و هدفمند  
نهادهای نظارتی و  
قانونگذاری مالی بحرین  
باعث شد که بحرین به  
عنوان یکی از پررونق‌ترین  
بازارهای مالی اسلامی  
شناخته شود.